

علوم انسانی

علوم انسانی

علوم انسانی، مجموعه‌ای از رشته‌های دانشگاهی هستند که جنبه‌های مرتبط با ویژگی‌های تمدنی، جامعه‌ای، فرهنگی تاریخی و باستانی، ادبی و جغرافیایی انسان را مطالعه و آموزش می‌دهند

علوم انسانی، شامل زبان‌های باستانی و مدرن، ادبیات، فلسفه، مذهب، هنر و موسیقی‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، مدیریت، اقتصاد، حقوق، علوم سیاسی و تاریخ و رشته‌های مرتبط دیگر می‌شود.

دانشمندان علوم انسانی، "humanity scholars" (دانشمندان علوم بشری) یا امانیست‌ها (انسان‌گراها) هستند

در عین حال، بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی چون مدیریت، اقتصاد، حسابداری، جغرافیا و روان‌شناسی برای تجزیه و تحلیل از ریاضیات و برخی علم‌های تجربی همچون ریاضیات کاربردی (در مدیریت)، آمار کاربردی و تحلیل رگرسیون (اقتصاد و روان‌شناسی)، سامانه اطلاعات جغرافیایی و سیستم‌های راداری و سنجش از دور (در جغرافیا) و سایر روش‌های علوم تجربی استفاده می‌کنند

علوم اجتماعى



علوم اجتماعی

علوم اجتماعی دسته‌ای از تخصص‌های دانشگاهی است که مرتبط با اجتماع و روابط بین افراد آن در جامعه می‌باشد. علوم اجتماعی به عنوان یک کل، شاخه‌های متعددی دارد. علوم اجتماعی شاخه‌ای از مطالعات انسانی است که موجودات از نوع انسان را از جنبه‌های مختلف مورد مطالعه قرار می‌دهد. علوم اجتماعی شامل این موارد شده ولی به آن‌ها محدود نمی‌شود: انسان‌شناسی، باستان‌شناسی، مطالعات ارتباطات، اقتصاد، مدیریت و بازرگانی، تاریخ، مطالعات اجتماعی، موسیقی‌شناسی، جغرافیای انسانی، حقوق، زبان‌شناسی، علوم سیاسی، سلامت عمومی و جامعه‌شناسی.

اقتصاد



اقتصاد

اقتصاد یا ترازمان به انگلیسی: Economy به یک نظام اقتصادی در یک یا چند منطقه جغرافیایی یا سیاسی خاص گفته می‌شود و در برگیرنده تولید، توزیع یا تجارت، مصرف کالاها و خدمات در آن منطقه یا کشور می‌باشد. یک اقتصاد مجموع کل ارزش معاملات میان فعالان اقتصادی نظیر افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و حتی ملت‌هاست.

فرهنگ لغت آکسفورد اقتصاد را این گونه تعریف کرده است: اقتصاد ارتباط میان تولید، تجارت و عرضه پول، در یک کشور یا منطقه مشخص می‌باشد. در تعریفی دیگر اقتصاد، مجموعه بزرگی از فعالیت‌های به هم پیوسته تولیدی و مصرفی دانسته شده که به تعیین چگونگی تخصیص منابع کمیاب کمک می‌رسانند. اقتصاد همچنین به صورت «شبکه‌ای از تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات (محصولات) در یک مکان، منطقه یا کشور» تعریف شده است.

اقتصاد

معیار های اندازه گیری یک اقتصاد:

✓ مخارج مصرفی

✓ نرخ ارز

✓ تولید ناخالص داخلی

✓ تولید ناخالص ملی سرانه

✓ تولید ناخالص ملی

✓ بازار سهام

✓ نرخ بهره

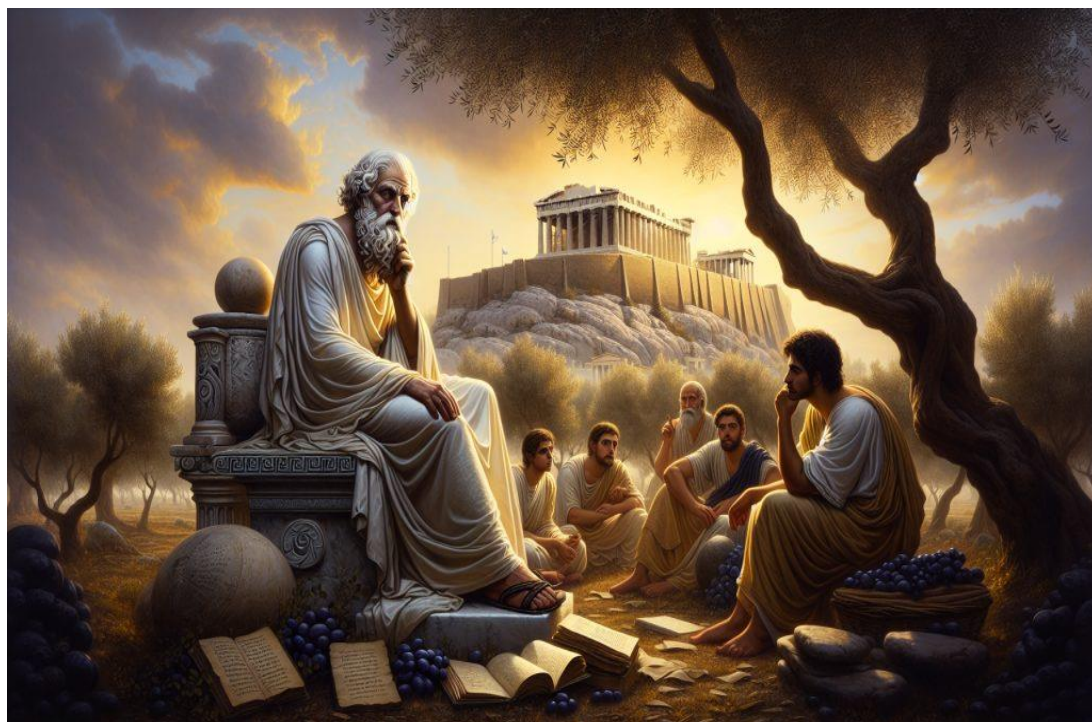
✓ بدهی ملی

✓ نرخ تورم

✓ بیکاری

✓ توان تولید

فلسفه



فلسفه

مطالعه پرسش‌های عمومی و اساسی با رویکردی کلی‌نگر و عموماً غایت‌اندیش است، مانند پرسش‌های مربوط به عقل، وجودیت، دانش، ارزش‌ها، ذهن و زبان. چنین سوالاتی اغلب به عنوان مشکلاتی مطرح می‌شوند که باید مورد مطالعه قرار گیرند یا حل شوند. این اصطلاح احتمالاً توسط فیثاغورس ابداع شده است.

کلمه فلسفه در لغت به معنی دوستداری دانش بوده است.

امروزه، زیرشاخه‌های اصلی فلسفه دانشگاهی شامل متافیزیک است که مربوط به ماهیت اساسی هستی و واقعیت است. معرفت‌شناسی، که ماهیت دانش و باور را بررسی می‌کند؛ فلسفه اخلاق، که مربوط به ارزش اخلاقی است؛ و منطق، که قواعد استنتاج را مطالعه می‌کند که به فرد اجازه می‌دهد از مقدمات واقعی نتیجه‌گیری کند.

زیرشاخه‌های برجسته دیگر شامل فلسفه علم، فلسفه سیاسی، زیبایی‌شناسی، فلسفه زبان و فلسفه ذهن هستند.

روانشناسی



روانشناسی

روانشناسی (به انگلیسی: Psychology) یا پسیکولوژی دانشی است که با بهره‌گیری از روش‌های دانشی به پژوهش و مطالعهٔ حالت‌ها و فرایندهای ذهنی و رفتار در انسان و دیگر جانوران می‌پردازد. منظور از «رفتار» همهٔ حرکات، اعمال و رفتار قابل مشاهدهٔ مستقیم و غیرمستقیم است، و منظور از «فرایندهای روانی»، چیزهایی همچون: احساس، ادراک، اندیشه (تفکر)، هوش، شخصیت، هیجان و انگیزش و حافظه... است.

اخیراً مشکلات سلامت روانی، بیشتر شده یا اینکه بشر بیشتر به آن، توجه کرده‌است.

رسیدن به آرامش و اطمینان و دوری از افسردگی و اضطراب، از اساسی‌ترین نیازهای سرشته‌ی انسان و از دیرباز، جزو مسائل اساسی بشر بوده‌است. همین مسئله، موجب شده تا در ادیان و آیین‌های کهن بشری، ضمن تشریح علل آرامش روحی و روانی، راهکارهایی برای پاسخ به این نیاز اساسی بشر ارائه شود. از سویی دیگر، بهداشت و سلامت روانی، یکی از نیازهای اجتماعی نیز هست؛ چراکه عملکرد مطلوب جامعه، مستلزم برخورداری از کسانی است که از نظر سلامت و بهداشت روانی در وضعیت مطلوبی قرار داشته باشند.

روانشناسی

تفاوت روانشناسی با روانپزشکی

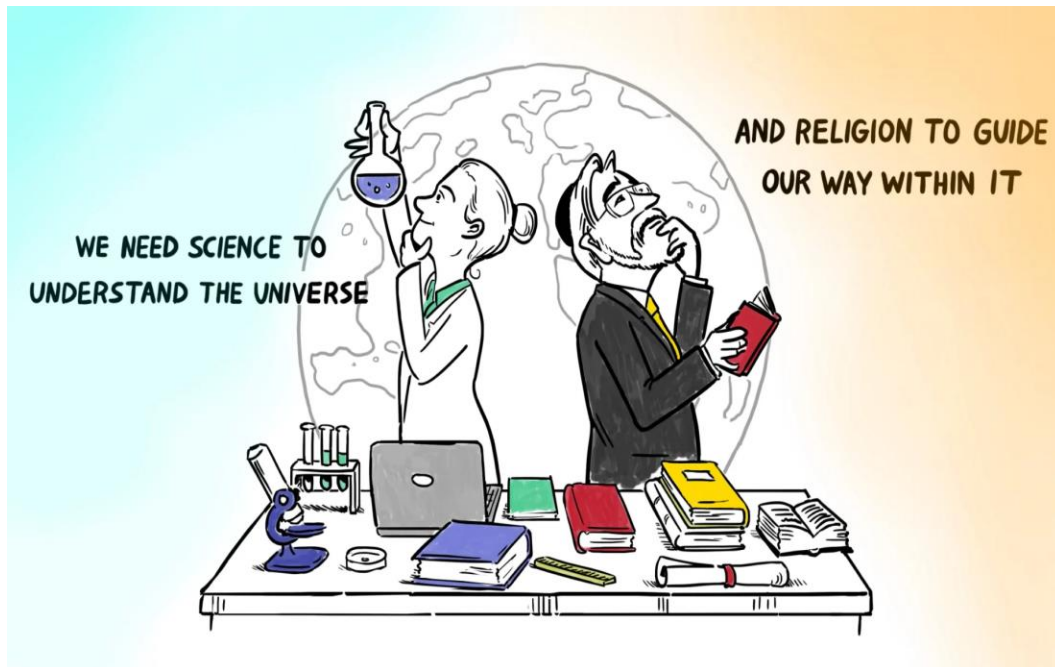
روانپزشک نحوه عملکرد «مغز» را بررسی می‌کند و مغز را درمان می‌کند، اما روانشناس، «روان و روح» را بررسی می‌کند، و درمان‌های رفتاری ارائه می‌دهد.

تفاوت دوم در نوع تحصیلات آنهاست. روانپزشکان پس از گذراندن دوره ۷ ساله‌ی پزشکی عمومی، تخصص اعصاب و روان را انتخاب کرده و پس از گذراندن دوره ۴ ساله تخصص، به عنوان متخصص اعصاب و روان تحت عنوان روانپزشک اقدام به درمان بیماران می‌کنند؛ اما روانشناسان پزشکی نیستند. یعنی روانشناسان پس از گذراندن دوره ۴ ساله لیسانس، وارد مقطع کارشناسی ارشد می‌شوند (۲ سال). در صورت داشتن مدرک ارشد یا دکترا (۴ سال)، بعد از اخذ پروانه اشتغال شروع به روان‌درمانی می‌کنند.

روانپزشکان می‌توانند دارو تجویز کنند، اما روانشناسان نمی‌توانند.

روانپزشکان بیماری را تشخیص می‌دهند، درمان را مدیریت می‌کنند و طیف وسیعی از درمان‌ها را برای بیماری‌های روانی پیچیده و جدی ارائه می‌دهند. اما روانشناسان با کمک شیوه‌های مختلف روان‌درمانی، حال بیماران را بهبود می‌بخشند.

علوم دینی



علوم دینی

علوم دینی، مجموعه‌ای از دانش‌ها و آگاهی‌هایی است که معمولاً مبلغان یک دین آن را به شکل تخصصی و با برنامه‌ای مدون می‌آموزند و مردم معمولی به نسبت تدین و وقتی که می‌توانند برای این کار بگذارند، گهگاهی در حوزه دین به مطالعه این علوم می‌پردازند. از جمله دروسی که طلاب علوم دینی در مدارس علوم اسلامی موسوم به حوزه علمیه می‌خوانند عبارتند از فقه، اصول فقه، تفسیر قرآن، رجال، فلسفه اسلامی، درایه، ادبیات عرب (صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع و لغت)، کلام اسلامی، اخلاق اسلامی، تاریخ اسلام، منطق قدیم، علوم قرآنی، علوم حدیث و تجوید قرآن است.

انسان شناسی



انسان شناسی

انسان‌شناسی یا آنترپولوژی به انگلیسی: Anthropology بخشی از علوم اجتماعی است و علم گسترده در خصوص توضیح ابعاد وجودی انسان است، که حوزه گسترده‌ای از فرهنگ تا تاریخ فرگشت انسان را در برمی‌گیرد و ریشه‌های آن در علوم طبیعی و علوم اجتماعی است. ماهیت انسان‌شناسی از دیرباز، مقایسه بین فرهنگی بوده است. و نسبی‌گرایی فرهنگی، اصلی اساسی در روش تحقیق انسان‌شناسی شده است.

این رشته، اکنون برای مطالعه جوامع ابتدایی و انسان فسیل در کنار انسان‌شناسی جسمانی به کار می‌رود. مردم‌شناسی زندگی اجتماعی و حیات فکری و فرهنگ انسان را با توجه به سیر تاریخی و مناسبات طبیعی و اجتماعی بررسی می‌کند و ویژگی‌های جسمانی و زندگی فکری و فرهنگی انسان‌های نخستین و جوامع ابتدایی را می‌کاود. می‌توان گفت این علم آینه تمام‌نمای جامعه معاصر است یعنی می‌تواند علل به وجود آمدن سازمان‌ها و بنیان‌های کهن فرهنگی جامعه بشری را که برخی در جوامع معاصر رایج و برخی دیگر متروک شده‌اند کشف نماید.

حقوق



حقوق

حقوق جمع واژه حق (درست کردن و عده) مجموعه قواعدی است که از طریق مؤسسات اجتماعی یا دولتی، جهت تنظیم رفتار، ایجاد و اعمال می‌شود. دانش حقوق، دانش تحلیل و سیر تحول قواعد حقوقی است. همچنین حقوق مجموعه قوانین و مقرراتی است که حاکم و ناظر بر روابط افراد و اشخاص هستند. از حقوق در معنای امتیازی که شخص برای جامعه معینی دارد، به حقوق فردی تعبیر می‌شود.

علم حقوق را از لحاظ رابطه به دو دسته خصوصی و عمومی تقسیم‌بندی می‌کنند. حقوق خصوصی حاکم بر روابط افراد با یکدیگر است و حقوق عمومی به «تنظیم روابط دولت با افراد جامعه و بالعکس در سطوح کلان و با هدف تأمین نظم و امنیت عمومی می‌پردازد»

علم حقوق به لحاظ قلمرو اجرا به دو گروه حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل تقسیم می‌شود. حقوق داخلی مجموعه قواعدی است که بر دولت معین حکومت می‌کند، و در آن از روابطی گفتگو می‌شود که هیچ عامل خارجی در آن‌ها نیست. به عنوان مثال، اگر دو ایرانی مالی را که در ایران واقع است مورد معامله قرار دهند، حقوق داخلی ایران بر رابطه آنان حاکم است. حقوق بین‌الملل به مجموع قواعد و اصولی که دولت‌ها در روابط خود با یکدیگر از آن استفاده می‌کنند گفته می‌شود.

علوم سیاسی



علوم سیاسی

علوم سیاسی انگلیسی: Political science که گاهی سیاست‌شناسی یا علم سیاست نامیده می‌شود؛ یک علم اجتماعی است که با نظام‌های حکمرانی و تجزیه و تحلیل فعالیت‌های سیاسی، افکار سیاسی و قانون اساسی مرتبط با رفتار سیاسی سروکار دارد. ارسطو این علم را به عنوان مطالعه حکومت تعریف کرده و آن را مادر علوم می‌داند. این علم بسیار زیاد با سیاست در عرصه نظر و در میدان عمل، تحلیل نظام‌های سیاسی و رفتارهای سیاسی سر و کار دارد. اندیشمندان سیاسی خود را درگیر در شناسایی ارتباطات اساسی میان شرایط و تحولات سیاسی می‌بینند و از طریق این کار سعی در ساختن اصولی اساسی برای منظم کردن علم سیاست و پیش‌بینی کارهای سیاسی در جای جای دنیا دارند. علم سیاست با اکثر رشته‌های دیگر به صورت مستقیم ارتباط دارد؛ از جمله اقتصاد، حقوق، روان‌شناسی، تاریخ، مردم‌شناسی، حقوق اداری، سیاست عمومی، سیاست ملی، ارتباطات بین‌الملل، سیاست تطبیقی، جامعه‌شناسی، مؤسسات سیاسی و نظریه‌های سیاسی و تمامی رشته‌های علمی به صورت غیر مستقیم با سیاست در ارتباط هستند.